



## میرزا آقا تبریزی

میرزا آقا تبریزی، نویسنده و دیپلمات دوره قاجار شاید هنوز هم راز آمیزترین و پنهان ترین زندگی را داشته باشد که دهه ها به نام میرزا ملکم خان ارمنی نامیده می شد و پس از دهه ها، پژوهشگران تبریزی هویت راستین او را بر ما آشکار کردند. شاید مهم ترین نکته در ابراز وجود چنین نامی، اصل و هویت آذربایجانی و تبریزی بودنش باشد که در مراوده با آخوندزاده آذری می تواند از این مجهولیت گره گشایی کند. دو مرد هم زبان که در این مرادفات علل یک نگارش تازه در تقلید و بعد یادآوری نکات فنی و نقد آثارش زمینه ساز نوشته شدن نخستین نمایشنامه های ایرانی به زبان پارسی را فراهم کرده باشد. آنچنان که در نامه ای برای میرزا فتحعلی آخوندزاده می نویسد: «این بنده اسمم میرزا آقاست و از اهالی تبریز هستم. از طفولیت به آموختن زبان فرانسه و روسی شوق کردم و زبان فرانسه را به قدری که در نوشتن و ترجمه و تکلم رفع احتیاج شود تحصیل کردم. و از زبان روسی نیز قدری بهره دارم. بعد از خدمات چند ساله در معلم خانه پادشاهی و مأموریت در بغداد و استانبول قریب هفت سال است که به اذن اولیای دولت، در سفارت دولت فخریه فرانسه مقیم تهران منشی اول هستم.»



نمایشنامه های میرزا آقا در دوران حکومت های ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، امکان چاپ نیافت و تنها با آغاز نهضت مشروطیت، نمایشنامه «طریقه حکومت زمان خان» در فاصله سال های ۱۳۲۶-۱۳۲۴ قمری بدون ذکر نام مؤلف در مطبوعه دولتی به چاپ رسید. اندکی بعد، نمایشنامه های «سرگذشت اشرف خان»، «طریقه حکومت زمان خان» و «حکایت کربلا رفتن شاهلی میرزا»، این بار هم بدون ذکر نام مؤلف در پاورقی روزنامه اتحاد چاپ تبریز منتشر شد. در ۱۳۰۰ خورشیدی همان ۳ نمایشنامه بر اساس نسخه ای متعلق به فردریک روزن وزیر مختار آلمان در تهران، با عنوان مجموعه مشتمل بر ۳ قطعه تئاتر منسوب به میرزا ملکم خان ناظم الدوله در برلین به چاپ رسید. اما در سال ۱۳۳۴ خورشیدی (۱۹۵۵) بود که با انتشار اسناد، دست نوشته ها و نامه های فتحعلی آخوندزاده توسط ابراهیم اف و کشف ۴ نمایشنامه به خط خود میرزا آقا تبریزی، روشن شد که او علاوه بر ۳ نمایشنامه چاپ شده، نمایشنامه چهارمی هم با عنوان «حکایت عشق بازی آقا هاشم خلخالی» داشته است. این آثار بعدها با عنوان «نمایشنامه های میرزا آقا تبریزی» در تهران منتشر شد.

## حسن مقدم

حسن مقدم، نویسنده و دیپلمات خارج نشین دوره پایانی قاجار که جوانمرگی و غربت نشینی سال ها نامش را از محافل ادبی و هنری ما دور نگه داشت تا پیگیری های یک روزنامه نگار به نام اسماعیل جمشیدی سبب نگارش کتابی درباره این نویسنده خلاق و دوباره یادآوری و نام آور بودنش را فراهم ساخت تا اینکه ساخت فیلم «جعفرخان از فرنگ برگشته» ساخته علی حاتمی دوباره این نام را برجسته ساخت. وی به روایتی در بهمن ۱۲۷۶ و به روایتی دیگر در بهمن ۱۲۷۷ در تهران به دنیا آمد و در آبان یا آذر ۱۳۰۴ در سن ۲۷ سالگی بر اثر مرض سل در آسایشگاه لیزن درگذشت. مردی روزنامه نگار و طنزنویس که با دو نمایشنامه جعفرخان از فرنگ آمده و ایرانی بازی نامی در آورده در میان نام ها.

## رضا کمال شهرزاد

رضا کمال شهرزاد نویسنده تراز اولی که خیلی زود به دلیل

# روشنای نام‌هایی که سال‌ها در پس ابرها گم بوده اند

← هنرمندان و ادیبان بسیاری بوده‌اند که سال‌ها پس از مرگ‌شان تازه متوجه شایستگی حقیقی‌شان شده‌اند و این خود دلایل متعددی را دربرگرفته است. در ایران ما نیز این دلایل می‌تواند خیلی پررنگ‌تر از اروپا و آمریکا باشد چون رسانه‌های ایرانی برخلاف رسانه‌های غربی چندان کنجکاوی و پژوهشی در این زمینه نداشته‌اند و اگر روزی روزگاری دوباره نامی بر سر زبان‌ها افتاده، از سر خوش شائستگی آن صاحب نام و جست‌وجوگری یک فرد بوده است. حالا در ادامه نام‌ها و سرگذشت‌هایی را یادآور می‌شویم که بیشتر و موشکافانه‌تر این قضیه را بر ما روشن کند.

خودکشی از ناکامی‌های رایج در فضای روشنفکری حاکم بر فضای سیاسی رضاخان پهلوی از دور خارج شد و هنوز هم آن طور که باید و شاید حق اش ادا نشده است. او آواز می‌خواند و سه‌تار می‌نواخت. در ۱۲۹۸ ش. گروه کمدی موزیکال را تأسیس کرد. دختران ارمنی در این گروه نقش فعالی داشتند. شهرزاد با الهام از اپرت «آرشین مالالان» اثر عزیز بیگ حاجی بیکوف که بازیگران قفقازی آن را در تهران نمایش داده بودند، اپرت «پرچهر و پریزاد» را نوشت. نمایشنامه «مجسمه مرمر» را در ۱۳۰۸ ش. نوشت و آن را به روی صحنه برد و خودش نقش اول آن را بازی کرد. سال ۱۳۰۹ ش. درخشان‌ترین دوره فعالیت ادبی



شهرزاد بود که چندین نمایشنامه را به روی صحنه برد. بعد از آن تا ۱۳۱۶ ش. زندگی سختی را گذراند و سرانجام خودکشی کرد. «خلیفه هارون الرشید» یا «عزیز و عزیزه» و «حرم خلیفه هارون الرشید»، «زرتشت»، «گل‌های حرم» از آثار دیگر او هستند.

## نصرت نویدی

نصرت نویدی، خان زاده و در واقع روستازاده کرمانشاهی که خیلی زود به تندی باد و بریا ساختن گرد و خاک نامش بر سر زبان‌ها نشست اما به ناگهان مجهول ماند و هرازگاهی در مقاله کوچکی نامی ازش می‌آید و می‌رود اما هنوز کاری ویژه درباره بودنش و تأثیرش نبوده و نیست. او نیز نگاه ویژه و قلم خاصی داشت و هر چند درباره روستاییان نمایشنامه می‌نوشت اما هنوز این متون بدرستی خوانده نشده، کار نشده و درباره شان نقد و تحلیلی پژوهاک نیافته است. نصرت نویدی، یکی از نمایشنامه‌نویسان قدیمی است که در غربت آلمان فوت کرد. محمود استاد محمد درباره‌اش می‌نویسد: «از آن دست ولایتی‌ها نبود که حسرت تهران را داشته باشد. خوی و خصلت دشت و دمن را داشت. گویا در یکی از روستاهای حوالی کرمانشاه، باغ و بری هم داشت. درست نمی‌دانم ولی بی‌شک آقای جوانمرد می‌داند. ما نویدی را نشناختم. هیچ کس، هیچ سازمانی، هیچ انجمنی و حتی هیچ منتقد یا روزنامه‌نگاری این زحمت را بر خود هموار نکرد. نویدی هم فوت و فن روابط عمومی را بلد نبود. ولی فکر می‌کنم عباس جوانمرد او را شناخته بود. چون تنها کسی بود که یکی از نمایشنامه‌های نویدی را. با کامل ترین شکل ممکن. بر صحنه برد.»

نصرت‌الله نویدی، نمایشنامه‌نویس دو دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی، یکی از چهره‌های مهجور امروز است. برای آنکه دیگر یاد و اثری از او نیست. شاید بتوان مهاجرت و مرگ او در غربت و از همه مهم‌تر تفکرات سیاسی‌اش را دلایل عمده این مهجور ماندن دانست. نصرت‌الله نویدی، خالق نمایشنامه‌های «سگی در خرمن‌جا»، «مردی با دو طبق»، «رزق»، «سماور ندیده‌ها»، «شب»، «تراکتور»، «نوکر و ارباب»، «تامارزوها»، «غیرت نو» و مجموعه داستان «دو مادر» است. «رعیت زاده»، «بازار»، «مرد و میهمان» و «گرستان معجزه» از دیگر آثار اوست.



## حسن حامد

حسن حامد مشهدی است و در آغاز دهه ۷۰ به دلیل گرفتن جایزه فجر بر سر زبان‌ها آمد و ناگهان مرگ امانش را برید و با آنکه بریده‌هایی درباره‌اش قلمی شده و یک مجموعه نه چندان کامل از آثارش را نشر نیستان منتشر کرده و هرازگاهی متنی از او بی‌صدا به صحنه آمده اما حق حسن حامد نیز در مقام یک نویسنده و حتی بازیگر و کارگردان ادا نشده است. هنرمندان مشهدی بر این باورند که رضا عطاران شاگرد و همکار حسن حامد باید عهده دار این مسئولیت شود و یکبار دیگر این نام را بر سر زبان‌ها بیندازد. عطاران از مشهد و در کنار حسن حامد کار تئاتر را در دهه ۶۰ آغاز کرده و یکی از مهم‌ترین آثار تئاتری اش هم همانا بازی در نمایش بچه‌های تابستان است که در بهمن ۷۰ برگزیده تئاتر فجر بود که بهار سال ۷۱ بدون حضور حسن حامد به دلیل جوانمرگی در ۳۰ سالگی اجرا شد؛ اجرایی که خیلی نامش سر زبان‌هاست اما دریغ از یک بررسی همه جانبه و کارشناسانه دیگر آثار حسن حامد که هر یک به نوعی می‌توانند تحلیل و نقد شوند و هر ساله با اجرایش متوجه قدرت قلم حسن حامد در زمینه مسائل اجتماعی شویم که در نوع خود حتماً ناگفته‌های بسیاری را برای بیان شدن دارد.

